

اعلامیه مطبوعاتی

تلاوت قرآن کریم در موزیم بزرگ مصر؛ وقتی ذکر الله نکوهش می شود و باطل آزادانه جولان می دهد!
(ترجمه)

واقعه بازداشت یک جوان که آیت های مربوط به فرعون را در داخل موزیم بزرگ مصر تلاوت کرده بود، موج بزرگی از بحث و جدل را برانگیخت. سپس بعضی از وابستگان به نهادهای رسمی دینی، عمل او را نکوهش کرده و آن را «بی ادبی با قرآن» و دارای «ابهام و اشاره خطرناک» خواندند! این حادثه، با آنکه ساده به نظر می رسد، یک خلل عمیق در میزان فکری و ارزشی حاکم بر زندگی امروز را برملا می سازد و دوگانگی معیارهایی را نشان می دهد که رفتار مردم در رژیم های مبتنی بر فکر سکولار با آن سنجیده می شود.

پیش از این نیز، رژیم سکولار حاکم در مصر، این سرزمین اسلامی که به دین، عقیده و تاریخ درخشان اسلامی اش افتخار می کند، را از این عزت جدا ساخته بود؛ گاهی با نسبت دادن آن به قومیت عربی متعفن، گاهی به ملی گرایی پوسیده و بار دیگر به فرعون گرایی شرک آمیز. همه این ها جنگی است علیه مردم و آنچه از عقیده، تاریخ و حال اسلامی ریشه دار با خود دارند. از همین رو، عجیب نبود که بوق های این رژیم بر جوانی که قرآن تلاوت کرد، بتازند؛ قرآنی که با آن دشمنی دارند و می خواهند آیتش را پنهان کرده و نشانه های شرک فرعون را برجسته سازند.

تلاوت قرآن عبادت بزرگیست که مسلمان هر جا بخواند ثواب می برد. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ) [المزمل: 20]

ترجمه: پس آن مقدار از قرآن را بخوانید که برای تان میسر است.

این تلاوت را به مکان یا زمان خاصی محدود نکرده است. قرآن را می توان در خانه، در راه، در بازار، در محل کار و در هر جای پاکی خواند که ذکر الله سبحانه و تعالی در آن ممانعت نداشته باشد. حتی یاد الله سبحانه و تعالی در جاهایی که غفلت بر آن چیره است، فضیلت بیشتری دارد. پس چگونه امروز تلاوت قرآن در یک موزیم نکوهش می شود، در حالی که موزیم جایی نیست که تقدس شرک آلود داشته باشد، نه نجاستی دارد و نه منکری در آن اقامه می شود؟!

گفتن این که تلاوت آیات داستان فرعون در موزیم «بی ادبی» یا «اشاره خطرناک» است، از نگاه شرعی و عقلی درست نیست. قرآن کتاب هدایت است و برای این نازل شده که خوانده و تدبیر شود، در هر زمان و هر مکان. هیچ کس حق ندارد مردم را از تلاوت آن بازدارد یا آن را فقط به مساجد و مراسم رسمی محدود کند. بلکه تلاوت چنین آیاتی در جایی که تاریخ جباران زمین به نمایش گذاشته شده، خود یادآوری مشروع و کاملاً در چارچوب هدف قرآن برای عبرت گرفتن است. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ) [یوسف: 111]

ترجمه: به حقیقت در سرگذشت آنان، (یعنی یوسف و برادران و دیگر پیامبران و اقوام ایماندار و بی ایمان، درس های بزرگ) عبرت برای همه اندیشمندان است.

پس آیا عبرت گرفتن ممنوع شده، ذکر الله سبحانه و تعالی مشکوک شمرده می شود و قرآن مایه تردید پنداشته می شود؟!

بدتر از این، همان کسانی که بر این جوان به خاطر تلاوت قرآن تاختند، زمانی که در همانجا محافل موسیقی برگزار می شود یا رقص ها، مجسمه ها و آوازه های با کلمات باطل نمایش داده می شود، هیچ اعتراضی نمی کنند! هیچ کدام نمی گوید این «بی احترامی به تاریخ» است یا «اشاره خطرناک». اما وقتی آیت های قرآن را شنیدند، سینه های شان تنگ شد و جوان را به اشاره سیاسی و نیت پنهان متهم کردند! این نشان می دهد که مشکل در تلاوت نیست، بلکه در موضع دل های آنان نسبت به قرآن است؛ دل هایی که به سکولاریزم خو کرده و حضور دین را در زندگی عمومی فقط زیر سایه اجازه رسمی و هدایت حکومت می پذیرند.

آزادی شخصی که فکر سکولار از آن دم می زند، در اولین صحنه ای که مسلمان دینش را بیرون از چارچوب تعیین شده نشان می دهد، کاملاً فرو می ریزد. اگر این جوان در همانجا آواز می خواند، ساز می نواخت یا عکس های هنری می گرفت، کسی اعتراض نمی کرد و شاید آن را «بیان هنری» می خواند، آن را تجاوز به «قدسیات مکان» شمردند! چه فکری در کار است که در آنجا که الله سبحانه و تعالی

ممنوع شود و لهُو و لعب آزاد باشد؟! این همان دوگانگی است که حقیقت فکر حاکم امروز را نشان می‌دهد: هر کاری آزاد است جز آنچه تسلیم بودن انسان به الله سبحانه و تعالی را نشان دهد.

گفتن اینکه موزیم «خانه شرک» است یا خواندن داستان فرعون در آن «توهین» دارد، تحریف فهم است. موزیم معبد نیست، بلکه محل نمایش تاریخ است و مسلمان را از یادکرد سرنوشت جباران باز نمی‌دارد. تذکر دادن به سنن الهی در چنین جایی نه توهین، بلکه از کامل شدن تبلیغ آشکار است؛ زیرا الله سبحانه و تعالی قصه‌های قرآن را عبرت برای همه مردم قرار داده، نه فقط برای مسجدها و درس‌ها. چنین تلاوتی حتی پاسخ محکمی است به کسانی که آثار و تاریخ فرعون را تقدیس می‌کنند؛ یادآوری می‌کند که هر طغیانی غرق شدنی است و ملک تنها از آن الله سبحانه و تعالی است و بس.

از سلف چیزی نرسیده که تلاوت قرآن را به مکان‌های خاص محدود کرده باشند. آنان قرآن را در همه حال می‌خواندند؛ حتی در میدان‌های جهاد، سفرها و بازارها. ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: «باید حامل قرآن به شبش شناخته شود وقتی مردم خواب‌اند، و به روزش شناخته شود وقتی مردم غافل‌اند».

پس این مکان‌ها با ذکر الله سبحانه و تعالی ارزش پیدا می‌کنند، نه این‌که خودشان ذاتاً مقدس باشند. منع تلاوت در جای مباح، منع عبادت مشروع بدون دلیل است و هیچ انسانی حق چنین کاری را ندارد.

این حادثه تنها یک اتفاق فردی نیست، بلکه نمونه‌ای از کشمکش میان فکری است که دین را در گوشه‌ها و شعائر محدود می‌خواهد و فکری که اسلام را شریعت زندگی می‌داند در همه جزئیات آن. همان کسانی که تلاوت آیات قصه فرعون را در موزیم نکوهش می‌کنند، همان‌های هستند که برهنه ساختن زندگی عمومی از احکام شرع را به نام مدنیت و بی‌طرفی دینی توجیه می‌کنند. در اینجا سلطان هوس جایگزین سلطان الله سبحانه و تعالی می‌شود؛ آزادی‌ها وقتی مقدس‌اند که به نفع باطل باشند و وقتی حق بیان می‌شود، سرکوب می‌گردد.

مسلمان مکلف‌اند که دینش را در هر جایی آشکار کند و مردم را به یاد سخن پروردگارشان ببندازد. قرآن کتابی نیست که از واقعیت دور نگهداشته شود یا فقط در مناسبت‌های رسمی خوانده شود؛ بلکه نوری است که الله سبحانه و تعالی به وسیله آن هر که را بخواهد هدایت می‌کند. آن‌که از شنیدن آیات آن دل‌تنگ می‌شود، باید بداند مشکل در دل خودش است نه در قاری. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَإِذَا دُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ﴾ [الزمر: 45]

ترجمه: هنگامی که الله به یگانگی یاد می‌شود، کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دل‌های شان می‌گیرد و بیزار (از بکتاپرستی) می‌گردد. پس باید کسی را که قرآن تلاوت کرده، احترام کنند نه این‌که بازداشتش کنند! باید بر آنانی نکوهش کنند که ذکر الله سبحانه و تعالی را منع می‌کنند، نه این‌که برای‌شان توجیه بتراشند! مسلمان هر جا بخواهد قرآن می‌خواند، مادامی که آداب تلاوت را رعایت کند. اما کسی که می‌خواهد قرآن را از فضای عمومی حذف کند و آن را به نام ادب یا حساسیت محدود سازد، در حقیقت از ادب دفاع نمی‌کند، بلکه از سکولاریزم دفاع می‌کند؛ همان فکری که از حضور اسلام به بیرون از دیوار مسجد می‌ترسد.

همین‌گونه، هرچند طاغوت‌ها تلاش کنند برای امت اسلام هویت جعلی بسازند و او را از عقیده و تمدن اسلامی‌اش جدا کنند، هرگز نمی‌توانند سنن الهی را تغییر دهند و وعده او را باطل سازند؛ وعده‌ای که حتماً واقع خواهد شد و به زودی خلافت راشده بر منهج نبوت با وجود گردن‌های کلفت‌شان و حسرت در دل‌های‌شان برپا خواهد شد. ما از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم که از سپاهیان و شاهدان آن باشیم.

﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [الأعراف: 128]

ترجمه: زمین از برای الله بوده و آن را به هرکس از بندگانش خود بخواهد می‌دهد و عاقبت (سرانجام نیک) از آن متقیان است.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر – ولایة مصر